

عاشورا از سه منظر

تحقیقی درباره یوم کیپور، فضیلت روزه عاشورا، و فضائل بی پایه روز عاشورا



محسن کدیور

۲ مهر ۱۳۹۷

عاشورا از سه منظر

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره ۲۱۸)

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

۱۳۷۹ سال از شهادت امام حسین (ع) می‌گذرد. عاشقان امام حسین چنان عزاداری می‌کنند گویی همین دیروز حسین شهید شده است. خون سیدالشهدا همچنان تازه است و شور و حرکت می‌آفریند.

عاشورا دهمین روز محرم اولین ماه قمری است. در این روز یکی از تلخترین اتفاقات تاریخ اسلامی رخ داده است: نیم قرن بعد از وفات پیامبر خدا (ع) گروهی از پیروان او تنها نوه پسر پیامبرشان را همراه با هفتاد و دو نفر دیگر از اهل بیت و پیروان او به فجیع‌ترین وجه ممکن در کربلا شهید کردند. (۱) این واقعه شاخص‌ترین نماد تشیع در چهارده قرن گذشته بوده است. شیعیان در این روز در عزای سرور آزادگان جهان سوگواری می‌کنند. خون حسین بن علی (ع) تا ابد علیه ظلم و ستم می‌جوشد و عزاداری عاشورا قرار است نشان جاوید عدالت‌خواهی تشیع باشد.

اما قتل عام فجیع سید شباب اهل جنت (ع) و یاران باوفایش در کربلای سال ۶۱ هجری تنها واقعه این روز در تاریخ خصوصاً قبل از آن نیست. اگرچه بزرگی فاجعه کربلا به قدری است که دیگر وقایع این روز قبل از شهادت امام حسین (ع) را حداقل برای شیعیان تحت الشعاع قرار داده است و می‌پندارند کلیه وقایعی که در طول تاریخ

عاشورا از سه منظر

در چنین روزی رخ داده مرتبط و در ذیل عاشورای سال ۶۱ قرار می گیرد، ولو قبل از آن اتفاق افتاده باشد.

سنگینی بار عاشورای سال ۶۱ باعث اشتباهاتی در نگاه تاریخی شیعه شده است.

در این مجال برآنم که به این سه سوال پاسخ استدلالی بدهم: پرسش اول: آیا بین عید بخشایش یهودیان یوم

کیپور و عاشورای مسلمانان ارتباطی برقرار است؟ آیا در زمان هجرت پیامبر (ص) به مدینه بین این دو روز

ارتباطی بوده است؟ پرسش دوم: می دانیم که اهل سنت قائل به فضیلت روزه عاشورا هستند. آیا فضیلت روزه این

روز از بدعتهای بنی امیه به عنوان عید و شادمانی به مناسبت کشتار کربلاست؟ آیا روزه در روز عاشورا در فقه

اهل بیت حرام یا مکروه است؟ پرسش سوم: در برخی متون دوره اسلامی فضایل دینی متعددی به این روز نسبت

داده شده است از جمله ده فضیلت از پیامبران از آدم تا خاتم بلکه آخرالزمان همگی در این روز اتفاق افتاده است؟

آیا این داستانها صحت دارد و صرفاً در متون اهل سنت نقل شده، یا در روایات شیعی هم به چشم می خورد؟

احتمالاً پاسخ به این پرسشها با تفکر رسمی تشیع که از منابر و حسینیه ها تبلیغ می شود متفاوت است و مطالعه

آنها نیازمند سعه صدر، مدارا و تعمیق معارف مذهبی و دینی است. واضح است نویسنده از نقد و بررسی اهل نظر

استقبال می کند. این مقاله متناسب با سه پرسش پیش گفته شامل سه بخش است: یوم کیپور یهودی و عاشورای

مسلمانان در سال اول هجرت، روزه عاشورا سنت نبوی به روایت معتبر سنی و شیعه، فضائل مجعول عاشورا در

کتاب فریقین. پرداختن به ادبیات پرحجم غالبان در مورد واقعه کربلا از موضوع این تحقیق بیرون است.

چرا به این موضوع پرداخته ام؟ چند روز قبل یکی از دوستان متدین پزشک تلفنی خبر داد که دوست مسلمانی از

اهل سنت آمده و عاشورا را به او تبریک گفته و او متعجب به دوست اهل سنت گفته بود اما برای ما شیعیان عاشورا

عاشورا از سه منظر

روز بزرگترین عزاهاست. از من می پرسید قضیه چیست و باید به این دوست اهل سنت چه بگویم؟ برایش واقعه ای مشابه که برای خودم در سال دوم ورودم به آمریکا اتفاق افتاده بود را تعریف کردم.

در جمعی از نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف نماینده مسلمانان اهل سنت که اتفاقاً امام جماعت مسلمانان دانشگاه هم بود خطاب به من روز عاشورا را تبریک گفت! نماینده یهودیان دانشگاه هم به همین مناسبت عید یوم کیبور را تبریک گفت و هر دو از اتفاقات مهم دینی که در این روز افتاده و منجر به عید بودن آن شده داد سخن دادند.

اطلاعات من در آن روز از یوم کیبور کافی نبود اما می پنداشتم که ریشه عید گرفتن عاشورا در اهل سنت جعلیات بنی امیه است (هذا یوم تبرکت به بنو امیه) لذا اشاره ای به قتل عام خاندان پیامبر و در صدرشان سیدالشهدا به جرم زیر بار ظلم نرفتن در صحرای کربلا به فجیع ترین شکل ممکن کردم و گفتم این روز ماتم و عزای شیعیان در سراسر جهان است و فضایی که در اسلام به آن نسبت داده می شود پایه و اساس صحیحی ندارد. امام جماعت اهل سنت فرد مطلعی نبود و البته عنادی هم با اهل بیت نداشت و برای جمع تعریف کرد که خود شاهد عزاداری علنی شیعیان در وطنش بوده است.

اینکه روز واحدی برای طایفه ای از مسلمانان عید و برای طایفه ای دیگر روز عزا باشد البته برای جمع مذکور عجیب آمد، اما به احترام نماینده شیعه در آن جمع چیزی نگفتند. بعداً مطلع شدم در برخی کشورها از جمله مراکش و ترکیه عاشورا از اعیاد ریشه دار است. به آن دوستی که از این مسئله پرسیده بود قول دادم در این باره تحقیقم را منتشر خواهم کرد. به دعوت دوستان دیگری قرار شد درباره عاشورا سخن بگویم. این عنوان را برگزیدم، از عنوان «عاشورا عزا یا عید؟» جا خوردند، عنوان را در ویرایش کتبی به «عاشورا از سه منظر» تغییر دادم. (۲)

بخش اول. یوم کیپور یهودی و عاشورای مسلمانان در سال اول هجرت

این بخش شامل دو بحث است: روز دهم ماه هفتم یهودی: عید بخشایش، و تقارن یوم کیپور و عاشورا در سال اول هجرت در مدینه.

بحث اول. روز دهم ماه هفتم یهودی: عید بخشایش

ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰) در التفهیم لاوایل صناعة التنجیم نوشته است: «کِبُور چیست؟ دهم روز است از تشرین، وزین جهت گاه گاه او را عاشور خوانند فاما نام کِبُور اندر زبان عبری از کفّارت گناهان است و این یک روز است که بر جهودان روزه داشتن فریضه کرده آمد و هر که روزه ندارد کشتن بر وی واجب شود. و اندازه این روز بیست و پنج ساعت است و ابتدا کنند روز نهم پیش از آفتاب فرو شدن به نیم ساعت و تمام شود چون آفتاب فرو شود روز دهم و نیم ساعت بگذرد آنکه روزه بکشیند.» (۳) به تحقیق جلال الدین همایی در حاشیه التفهیم: کِبُور تلفظ اصلیش کِبُور و با لفظ کفاره عربی یک ریشه دارد. (۴) بیرونی در آثار الباقیة لقرون الخالیة توضیحات بیشتری درباره سال یهودی و ماههای آن داده است. (۵)

بر اساس تفسیر میشنا (یکی از اجزای متن مقدس یهودی) به باور یهودیان در روز یوم کیپور، موسی (ع) از کوه سینا بازگشت. در تفسیر میدراش (از دیگر متون معتبر یهودی) روز یوم کیپور روزی است که موسی (ع) برای بار دوم ده فرمان را از خداوند دریافت کرد. موسی (ع) سنگهای ده فرمان را در بار اول بعد از دیدن پرستش گوساله

عاشورا از سه منظر

توسط قوم اسرائیل خُرد کرده بود. در این زمان چهل روز دستور خدا به موسی تکمیل گردید. در این زمان خدا گناه قوم اسرائیل در پرستش گوساله سامری را مورد بخشش قرار داد و از این رو این روز روز آمرزش نام گرفت. رُوش هشانا اولین روز تیشری ماه هفتم تقویم عبری است که در آن از خدا آمرزش درخواست می‌شود. ماه هفتم ماه قضاوت خدا بر بنی اسرائیل است. در ده روز بین رُوش هشانا تا یوم کیپور دادگاه الهی در حال تصمیم‌گیری است و در روز یوم کیپور حکم دادگاه الهی برای سال بعد صادر می‌شود. در این ده روز یهودیان تلاش می‌کنند که رفتار خود را اصلاح کنند و از گناهان خود استغفار کنند. عصر روز یوم کیپور مومنان یهودی به گناهان خود اعتراف می‌کنند و در پایان این روز امیدوارند که خدا گناهان آنها را مورد بخشش قرار دهد. روزه گرفتن در یوم کیپور واجب است، که از غروب روز نهم شروع می‌شود و در پایان شب روز یوم کیپور پایان می‌یابد و حدود ۲۵ ساعت به طول می‌انجامد.

بر اساس تلمود (از دیگر اجزای متن مقدس یهودی) پنج ممنوعیت برای یوم کیپور وجود دارد. یهودیان در این مدت باید از خوردن و آشامیدن پرهیز کنند، از خودشویی پرهیزند، از استعمال بوی خوش و روغن مالیدن به بدنشان خودداری کنند؛ همچنین نباید کفش چرمی به پا کنند یا حتی با همسر خویش آمیزش جنسی کنند. یهودیان در یوم کیپور، چهار نوبت به کنیسه می‌روند و دعا و نماز می‌خوانند و یک بار هم ایستاده مکتوبی را قرائت می‌کنند که مربوط به آمرزش گناهان است. (۶) مسلمانان احتمالاً با این تعالیم به یاد دهه اول ذیحجه، روز عرفه و خصوصاً عید قربان و حتی شبهای قدر خود می‌افتند.

عاشورا از سه منظر

در تورات در سه موضع از تکالیف یوم کیپور یاد شده است: از جمله در سفر لاویان دو بار در این باره بحث شده است: خدا به قوم اسرائیل دستور می‌دهد که در روز دهم ماه هفتم توبه کرده و از کار دست بکشند و استراحت کنند. آن روز را مقدس بدانند. مردم باید قربانی سوخته به خدا تقدیم کنند. خدا به موسی می‌گوید که هر کسی در این روز کار کند، روحش از بقیه مردم جدا خواهد شد. این روز باید روز استراحت باشد. در سفر اعداد تورات نیز چنین آمده است: روز دهم ماه هفتم مقدس داشته شود و هیچ‌کس نباید در این روز کار کند. برای قربانی، فرد باید یک گاو جوان، یک قوچ و هفت گوسفند که هر کدام یک سال دارند تقدیم خداوند کند. برای کفاره گناهان فرد باید یک بز نر را قربانی کند. (۷)

یوم کیپور از زمان حضرت موسی تا کنون از جمله بزرگترین اعیاد یهودی است و جشن گرفته می‌شود. به لحاظ تاریخی این روز قرن‌ها قبل از بعثت پیامبر اسلام جشن گرفته می‌شده است و هیچ ارتباطی با وقایع دوران اسلامی از جمله وقایع عاشورای سال ۶۱ در کربلا ندارد.

بحث دوم. تقارن یوم کیپور و عاشورا در سال اول هجرت در مدینه

مبدأ تقویم یهودی آغاز آفرینش و خلقت آدم بر اساس کتاب پیدایش تورات است. سال یهودی شمسی ولی ماههای آن قمری است، که به این دلیل به آن تقویم مختلط می‌گویند. مطابق این تقویم الان سال ۵۷۷۷ عبری است. دوازده ماه قمری سالانه ده تا یازده روز کوتاه‌تر از سال شمسی است. از آنجا که مناسبت‌های تقویم یهودی علاوه بر بار دینی ارتباط مستقیمی با کشاورزی داشته، یهودیان برای ثابت ماندن ماههای قمری در سال شمسی و به

عاشورا از سه منظر

عبارت دیگر همزمانی ماههای قمری با فصلهای مشخص سال، بعد از هر سه سال، سال چهارم را سال کبیسه دارای سیزده ماه اعلام می کنند. بنابراین سال یهودی سه سال دوازده ماه و یک سال در هر چهار سال سیزده ماهه است و در نتیجه مناسبتهای تقویم یهودی در مقایسه با فصول سال ثابت است و گردش نمی کند. (۸) یوم کبیور در یهودیان عرب در مدینه در زمان ظهور اسلام نیز بزرگ داشته می شد و یهودیان در این روز روزه می گرفتند. اعراب قبل از اسلام نیز برای تغییر ماههای حرام از این روش استفاده می کردند. (۹) بعد از اسلام و خصوصاً بعد از هجرت پیامبر به مدینه صف مسلمانان از یهودیان در دو موضوع کلیدی به دستور خداوند جدا شد، یکی در موضوع قبله و دیگری در موضوع تقویم قمری گردشی. مسلمانان در پانزده سال نخست همانند یهودیان به سوی بیت المقدس نماز می خواندند. در رجب سال دوم هجرت (۱۰) در حین نماز جبرئیل بر پیامبر (ص) وارد شد و این آیه را به ایشان وحی کرد:

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (بقره ۱۴۴) ترجمه: «نگریستنت را به اطراف آسمان می بینیم. تو را به سوی قبله‌ای که می پسندی می گردانیم. پس روی به جانب مسجدالحرام کن. و هر جا که باشید روی بدان جانب کنید. اهل کتاب می دانند که این دگرگونی به حق و از جانب پروردگار آنان بوده است. و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.» به دستور خداوند قبله مسلمانان از این تاریخ کعبه و مسجدالحرام در مکه شد.

عاشورا از سه منظر

تقویم امضا شده توسط اسلام تقویم ماههای قمری در سال قمری بود که ماههای قمری در فصول مختلف سال شمسی بتدریج گردش می کرد. اسلام پدیده سال کبیسه و افزودن ماهی به ماههای سال و در نتیجه تغییر ماههای حرام را تایید نکرد. پدیده نسیء در سال هشتم یا نهم هجری (۱۱) با نزول این آیه ممنوع شد:

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (توبه ۳۷) ترجمه: «همانا تأخیر (و تغییر ماههای حرام به ماههای دیگر) سبب افزایش در کفر است، که به وسیله آن کافران گمراه می شوند. (آنها) یک سال (جنگ در ماههای حرام) را (به سلیقه و تمایل و مصلحت اندیشی) حلال می دانند و یک سال آن را حرام، تا با تعداد ماههایی که خداوند حرام ساخته، مطابق آید، از این رو آنچه را خدا حرام کرده حلال می کنند. کارهای ناپسند آنها، در نظرشان زیبا جلوه یافته است و خداوند کافران را هدایت نمی کند.»

ابوالحسن شعرانی در باره نسیء توضیحات نافی دارد: «ابوریحان بیرونی و بعضی از مفسران که اهل فن (نجوم) بودند گویند: نسیء آن بود که هر سه سال یک بار یک ماه بر عدد ماههای سال می افزودند و آن سال را سیزده ماه می گرفتند تا ماهها از فصل خود تغییر نکند و محرم که آغاز سال است منطبق با اول بهار باشد تقریباً چنانکه اکنون رسم یهود است در هر سه سال یک سال را سیزده ماه می گیرند و ماههای آنها که قمری است از محل خود در فصول شمسی تغییر نمی کند و عرب تقلید یهود می کردند و بدین عمل قهرا ماهها از جای حقیقی خود تغییر می کردند آنکه عمدا حج را از ماهی به ماهی تغییر دهند بلکه این نتیجه افزودن یک ماه است و گرنه خود آنها همه

عاشورا از سه منظر

ماهی را که در آن حج می‌کردند ذوالحجه می‌نامیدند و در واقع ذوالحجه نبود و اختلاف راویان در آن است که آیا آن ماه زائد را چه می‌نامیدند صفر یا محرم یا غیر آن و آن چندان مهم نیست.» (۱۲)

شعرانی در جای دیگر درباره ارتباط عید یهودی با عاشورا در اوایل هجرت توضیح داده است: «بدان که روز عاشورا روز روزه یهودی بود و آنها همواره تا کنون این روز را روزه می‌گیرند و این روز روزه بزرگ [آنان] است و وقت آن روز دهم از ماه اول سال بود. وقتی پیامبر (ص) به مدینه آمدند اول سال یهودی با اول محرم همزمان بود و همینگونه تا وقتی که نسیء حرام شد و در اسلام متروک شد و در مورد یهود تا زمان ما ادامه دارد، لذا اول سال مسلمانان با اول سال یهودیان اختلاف پیدا کرد و عاشورا از روز روزه آنها افتراق پیدا کرد. زیرا آنها تا دوران ما نسیء می‌کنند، پس در هر سه سال یک سال سیزده ماهه قرار می‌دهند آن‌چنان‌که عرب در جاهلیت می‌کرد. پیامبر (ص) و مسلمانان همانند یهود روزه گرفتند. پیامبر گفت: ما به موسی (ع) اولی هستیم، تا اینکه وجوب روزه عاشورا با روزه رمضان نسخ شد و جواز آن باقی ماند.» (۱۳) البته یوم کیپور اول سال یهودی نیست، روز دهم ماه هفتم آنهاست.

آیا مسلمانان مدینه (و نه کفار مکه تا سال هشتم هجری) در آن دوره (سال دوم تا حداقل هشتم هجری) از تقویم قمری در سال و ماه و گردشی در فصل استفاده می‌کردند؟ ظاهراً بله. در هر حال در سال اول هجرت مطابق شواهد موجود دهم ماه هفتم یهودی و دهم محرم مسلمانان یا عاشورا مصادف شده بود. روز ورود پیامبر به مدینه دوازدهم ربیع الاول سال اول هجرت بوده است. (۱۴) نه ماه بعد عاشورا بود. یهودیان مدینه روزه گرفته بودند.

عاشورا از سه منظر

مسلمان هم با اجازه پیامبر در آن روز روزه گرفتند. البته با این فرق که روزه مسلمانان از سحر تا غروب بود نه بیست پنج ساعت از غروب روز نهم تا شب دهم.

از قول ابوموسی آمده است: روز عاشورا را یهود بزرگ می داشتند و عید می گرفتند. پیامبر هم فرمود: شما هم روزه بگیرید. (۱۵) در صحیح مسلم این امر با جزئیات بیشتری روایت شده: اهل خیبر که یهودی بودند روز عاشورا را روزه می گرفتند و مراسم عید برگزار می کردند و بانوان زینت و زیور عید می پوشیدند، پیامبر هم به مسلمانان فرمود که شما هم روزه بگیرید. (۱۶) نقل سوم از ابن عباس است: رسول خدا (ص) هنگامی که به مدینه آمد دید که یهودیان روز عاشورا را روزه می گیرند. ایشان سؤال کرد که چرا روزه می گیرید؟ گفتند: این روز بزرگی است، خدا موسی و قومش را در این روز نجات داد، و فرعون و جنودش را غرق کرد، پس موسی آن را از بابت شکر روزه گرفت، لذا ما آن را روزه می گیریم. پس رسول خدا (ص) فرمود: ما نسبت به شما [یهودیان] به موسی (ع) احق و اولی هستیم. پس پیامبر آن روز را روزه گرفت و [به مسلمانان] هم امر کرد که در آن روز بگیرند. (۱۷) واضح است که این سه روایت متعلق به سال اول هجری است که یوم کیپور یهودی و عاشورای مسلمانان بر هم منطبق بوده است.

اما در منابع اهل سنت قضیه به گونه دیگری هم روایت شده است. عطا از ابن عباس نقل کرده که می گفت با یهودیان (در روزه روز عاشورا) مخالفت کنید هم نهم را روزه بگیرید و هم دهم را (تا معلوم باشد این روزه روزه آنها نیست) (۱۸) فیومی در مصباح المنیر نیز نهی از شباهت با یهود را در ذیل ماده عاشورا نقل کرده است.

عاشورا از سه منظر

در رمضان سال دوم هجری روزه ماه رمضان بر مسلمانان واجب شد (۱۹): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ... شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ (بقره ۱۸۳-۱۸۵) ترجمه: ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید. چند روز معدودی را (باید روزه بدارید!) روزه، در چند روز معدود (ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد!»

با واجب شدن روزه در ماه رمضان وجوب روزه عاشورا برداشته شد و به عنوان یک امر اختیاری باقی ماند. سنی و شیعه در این امر هم داستانند. عایشه نقل کرده که پیامبر در مدینه روز عاشورا را روزه می گرفت و به مسلمانان هم امر کرد که روزه بگیرند، چون روزه ماه رمضان واجب شد، روزه روز عاشورا را ترک کرد و فرمود: هر که بخواهد روزه بگیرد و هر که خواهد ترک کند. (۲۰) البته وی مدعی شده پیامبر و قریش حتی در جاهلیت هم این روز را روزه می گرفتند. (۲۱)

به روایت شیعه به سند صحیح زراره و محمد بن مسلم از امام باقر(ع) درباره روزه روز عاشورا پرسیدند. فرمود: [وجوب] روزه آن قبل از ماه رمضان بود، وقتی [آیات روزه] ماه رمضان نازل شد [وجوب روزه عاشورا] ترک شد.

(۲۲)

عاشورا از سه منظر

بنابراین پیامبر و مسلمانان سال اول در مدینه را که یوم کپیور با عاشورا مقارن بود روزه گرفتند. با نزول آیات روز در رمضان سال دوم روزه واجب مسلمانان به ماه رمضان منتقل شد و از روزه عاشورا رفع وجوب شد، اما جواز آن باقی ماند. ضمناً از سال دوم به بعد این دو روز بر هم منطبق نبوده است.

روزه یوم کپیور و عاشورای سال اول هجرت که در یک روز بوده هیچ ارتباطی با فاجعه کربلای سال ۶۱ نداشته است. ادعای هرگونه ارتباط نیازمند دلیل معتبر است که تا کنون ارائه نشده است. در انتهای بخش سوم روایتی غیرمسند در این باره خواهد آمد.

بخش دوم. روزه عاشورا سنت نبوی به روایت معتبر سنی و شیعه

این بخش شامل دو بحث است: قول رایج شیعه و دیدگاه اهل سنت، و دسته بندی و تحلیل روایات شیعی روزه عاشورا.

بحث اول. قول رایج شیعه و دیدگاه اهل سنت

شیخ عباس قمی (۱۲۵۴-۱۳۱۹ ش) در مفاتیح الجنان (۲۳) از محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ق) محدث عصر صفوی در زاد المعاد اینگونه نقل کرده است: «بهتر آن است که روز نهم و دهم را روزه نگیرد، زیرا بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل آن حضرت روزه می‌داشتند، و به دروغ، احادیث بسیار در فضیلت این دو روز، و روزه آنها را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله نسبت داده اند، و از طریق اهل بیت علیهم السلام

احادیث بسیاری در مذمت روزه این دو روز به ویژه روز عاشورا وارد شده. «(۲۴) صاحب مفاتیح الجنان اینگونه ادامه داده است: مؤلف گوید: «از کلام این بزرگوار [مجلسی] معلوم میشود، که احادیثی که در فضیلت روز عاشوراست همه جعلی است، و به دروغ به حضرت رسول صلی الله علیه و آله نسبت داده اند» (۲۵)

نظر هر دو محدث این است که اولاً احادیث فضیلت روزه عاشورا همگی جعلی است و نسبت کذب به پیامبر اسلام داده شده است، ثانیاً این احادیث توسط بنی امیه برای تبرک و شادمانی در قتل اهل بیت جعل شده است، و ثالثاً در مقابل احادیث فراوانی در مذمت روزه عاشورا از جانب اهل بیت وارد شده است. در حقیقت نظر ایشان مبتنی بر محوریت فاجعه عاشورای سال ۶۱ در قضیه استحباب روزه روز عاشورا است. چگونه پیامبری که از علم لدنی کلیه جزئیات ماکان، ما هو کائن و ماسیکون برخوردار است ممکن است روزه روز عاشورایی را مستحب اعلام کند که نیم قرن بعد از وفاتش قرار است در همان روز نوه اش به شهادت برسد؟ نظر مجلسی نظر رایج شیعه حداقل از قرن یازدهم است که از منابع تبلیغ می شود.

آیا استنتاج مجلسی صحیح است؟ مسئله روزه عاشورا را با تفحص در روایات و فتاوی فریقین دنبال می کنم. در مورد روایات و فتاوی اهل سنت به گزارش اجمالی اکتفا می کنم، اما در مورد روایات و فتاوی شیعه که محل اصلی بحث است با تفصیل بیشتری بحث می کنم.

در روایات صحیح اهل سنت آمده است: ابی قتاده از پیامبر نقل کرده است که چنین می پندارم که خداوند با روزه روز عاشوراء [گناهان] سال قبل از آن را ببوشاند. (۲۶) هنیده بن خالد به نقل از برخی همسران پیامبر نقل کرده است که پیامبر نه روز اول ذیحجه، روز عاشورا، سه روز اول هر ماه، اولین دوشنبه و اولین پنجشنبه ماه را روزه

عاشورا از سه منظر

می گرفته است. (۲۷) طبیعی است که استحباب روزه عاشورا در میان اهل سنت فتوای اجماعی مذاهب اربعه هل سنت باشد (۲۸)، و عملاً هم روزه آن در بسیاری از سرزمینهای اهل سنت تا کنون دنبال می شود.

در فقه شیعه سه فتوی درباره روزه روز عاشورا به چشم می خورد: استحباب، کراهت و حرمت. حرمت فتوای شیخ یوسف بحرانی (۱۱۰۷-۱۱۸۶) در کتاب الحدایق الناضرة است. به نظر این فقیه اخباری این روزه در حکم تشریح حرام است چرا که اخبار دال بر روزه در این روز بر مبنای تقیه بر طبق مذهب اهل سنت از بنی امیه و غیر آنها صادر شده است چرا که آنان (بنی امیه) با روزه این روز را با مصیبتی که بر اهل بیت وارد کرده بودند تبرک می جستند. (۲۹) کراهت به معنای ثواب کمتر فتوای سید محمد کاظم یزدی (متوفی ۱۳۳۷ق) در العروة الوثقی است. (۳۰) فتوای دیگر فقهای بزرگ امامیه استحباب روزه عاشورا است، از زمان شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) اخبار متعارض وارد در مورد روزه روز عاشورا اینگونه جمع شده است که استحباب روزه عاشورا با حزن به دلیل مصائب وارده بر سید شباب اهل جنت (ع) مقید شده است. (۳۱) از جمله مهمترین قائلان به استحباب روزه عاشورا با قید حزن مذکور محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶) در شرایع الاسلام است. (۳۲) شیخ محمد حسن نجفی (متوفی ۱۲۶۶) صاحب جواهر به سید بن زهره (۵۱۱-۵۸۵) در ظاهر غنیة النزوع اجماع نسبت داده، (۳۳) و خود اقرار کرده است که مخالفی در این مسئله نمی شناسد. (۳۴)

بحث دوم. دسته بندی و تحلیل روایات شیعی روزه عاشورا

روایات درباره روزه روز عاشورا در تشیع را ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۰) در وافی (۳۵) و شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) در وسائل الشیعة (۳۶) جمع کرده اند. این روایات به دو دسته تقسیم می شوند: روایاتی که دلالت بر منع از روزه به واسطه فاجعه مولمه کربلا دارند، و روایاتی که دلالت بر جواز یا استحباب دارند و در آنها کمترین اشاره ای به فاجعه مذکور نیست. بنابر تحقیق سید ابوالقاسم خوئی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ش) فقیه معاصر ریشه روایات منع از صحت روزه روز عاشورا به سه روایت بازمی گردد. (۳۷) این سه روایت به شرح زیر هستند.

روایت اول: روایت کلینی از عبدالملک از امام صادق (ع) سؤال کردم از حضرت ابو عبد الله صوم تاسوعا و عاشورا فرمود: تاسوعا روزی است که محاصره شدند در او حسین و اصحابش - رضی الله عنهم - در کربلا و مجتمع شدند بر او لشکر اهل شام و فرود آمدند بر او، و فرح کردند ابن مرجانه و عمر ابن سعد به توافر خیول و کثرت جنود و حسین و اصحابش را - کرم الله وجوههم - ضعیف کردند و یقین کردند که دیگر ناصری برای حسین نخواهد آمد و مدد نخواهند کرد او را اهل عراق، آنگاه از غایت تفجع و اشتیاق می فرماید "بابی المستضعف الغریب"

" یعنی پدرم فدای آن مظلوم بی کس باد، فرمود: اما روز عاشورا روزی است که حسین علیه السلام کشته بیفتاد و اصحاب حول او کشته افتادند، مگر روزه است در آن روز؟ کلا و رب البیت الحرام که آن روز صوم نیست، و نیست او مگر روز حزن و مصیبتی که داخل شد بر اهل آسمان و اهل زمین و جمیع اهل ایمان و روز فرح و سرور است بران پسر مرجانه و آل زیاد و اهل شام که خدای غضب کناد بر ایشان و بر ذریات ایشان و او روزی است که گریه کرده اند بر حسین در او جمیع بقاع ارض جز بقعه شام. هر که روزه بگیرد در او یا تبرک کند به او خدایش با آل

عاشورا از سه منظر

زیاد حشر کند با قلب مسخ شده و سخط خدای بر او واقع شود، و هر که در آن روز ذخیره بسوی منزل خود جلب کند خدایش در قل نفاق نتیجه دهد تا روز قیامت و برکت را از خود او و اهل بیت او و اولاد او انتزاع کند، و شیطان با او در همه آنها شراکت کند. (۳۸)

تردیدی در دلالت روایت بر حرمت روزه عاشورا مقید به نیت کسب برکت و فرح و سرور از روزه عاشورا به روش بنی امیه نیست، در حالی که محل نزاع بدون چنین قیدی است یعنی مطلق روزه گرفتن در این روز و به عنوان اولی. بنابراین روایت بر فرض صحت سند اجنبی از محل نزاع است، آنچنانکه صاحب جواهر به درستی تصریح کرده است. (۳۹)

روایت دوم: روایت زراره از امام باقر و صادق (ع): در روز عاشورا و روز عرفه نه در مکه، نه در مدینه، نه در وطن و نه در سرزمینی از سرزمینها روزه مگیر. (۴۰) آنچنانکه محقق خوبی گفته است بر فرض صحت سند، روزه در روز عرفه قطعاً حرام نیست، خود ائمه (ع) در این روز روزه می گرفته اند، آری برای کسی که روزه او را برای دعا ضعیف می کند کراهت دارد، پس ممکن است روزه عاشورا نیز برای کسی که او را از اقامه مراسم عزرا تضعیف می کند کراهت داشته باشد. (۴۱)

روایت سوم: روایت حسین بن ابی غندر از پدرش از امام صادق (ع): پرسیدم صوم یوم عرفه را فرمود: "عید من اعیاد المسلمین". گفتم: صوم یوم عاشورا چگونه است؟ فرمود: او در روزی است که حسین در او کشته شده پس اگر تو شماتت کننده ای پس روزه دار، آنگاه فرمود: همانا آل امیه نذری کردند که اگر حسین کشته شود آن روز را عید قرار دهند و به شکر این نعمت روزه گیرند و اولاد خود را مسرور نمایند و این سنتی شد در آل ابی سفیان

عاشورا از سه منظر

تا امروز و از این روی روزه گیرند او را و بر اهل و عیال خود ادخال فرح کنند، آن‌گاه فرمود: روزه برای مصیبت نمی‌شود و نیست مگر برای شکر سلامت. همانا حسین کشته شد در روز عاشورا. هان اگر تو از مصیبت زدگان او هستی روزه مگیر و اگر از شماتت کنندگانی و از آنانی که به سلامت بنی امیه مسرور شدند روزه بدار به شکر خدای تعالی. (۴۲)

این روایت همانند روایت اول بر فرض صحت سند حرمت روز مقید به قصد تبرک و فرح به سبک بنی امیه است و از محل نزاع بیرون می‌باشد.

فارغ از بررسی سندی، دلالت هیچیک از این روایات تمام نیست. اما به لحاظ سندی مطابق تحقیق صاحب معجم رجال الشیعه در سند روایت نخست حسن بن علی هاشمی است که توثیق یا مدح نشده و هر چهار روایت از وی در این موضوع محکوم به ضعف است و قابل اعتنا نیست. روایت دوم به نوح بن شعیب و یاسین الضریر به لحاظ سندی ضعیف است. روایت سوم به دلیل اشتغال بر عده ای مجاهیل ضعف سندیش شدیدتر است. در نتیجه همه این روایات فاقد اعتبار سندی هستند. (۴۳)

رای نهایی محقق خوبی درباره روایات دال بر نهی از صحت روزه عاشورا این است: همه این روایات (که سه نمونه آن ذکر شد) به لحاظ سندی بی اعتبار هستند. در منابع روایی شیعه روایت معتبری که بتوان با اتکا بر آن اخبار معارض را حمل بر تقیه کرد، وجود ندارد. (۴۴)

اما دسته دوم اخبار متضمن امر و استحباب روزه در این روز فراوانند از جمله:

روایت اول: صحیحہ قداح از امام صادق به نقل از امام باقر (ع): «صیام یوم عاشوراء، کفارة سنة». (۴۵) روزه روز عاشورا کفاره [گناهان] یک سال است.

روایت دوم: موثقه مسعدة بن صدقة از امام صادق از پدرش امام باقر (ع): «صوموا العاشوراء التاسع و العاشر فانه یکفر ذنوب سنة». (۴۵) روزهای تاسوعا و عاشورا را روزه بگیرید [که این روزه ها] کفاره گناهان یک سال است. محقق خوبی در نهایت اینگونه نتیجه می گیرد: اقوی استحباب روزه در روز عاشورا از حیث روزه است آن چنانکه صاحب جواهر نیز به دلیل نصوص معتبر فاقد معارض به آن فتوی داد. آری تردیدی در حرمت روزه عاشورا به عنوان تیمن و تبرک و فرح و سرور نیست، آنچنان که فرومایگان آل زیاد و طغیانگران بنی امیه مرتکب شده اند. قول به حرمت مقید به این قید حاجتی به در دست داشتن نصی ندارد. چرا که چنین فعلی از بزرگترین محرمت الهی است که ناشی از خبث فاعل و خلل در دین و مذهب اوست. اما این موضوع از محل بحث بیرون است. روزه بدون چنین قصدی در این روز به عنوان روزه قضا یا روزه استحبابی خصوصاً با ابراز حزن بر فاجعه مولمه کربلا بدون تردید جایز است بدون هیچ کراهتی چه برسد به حرمت. (۴۷)

باقی می ماند روایت شیخ طوسی در مصباح المتهدج از عبدالله بن سنان از امام صادق (ع): در روز عاشورا بر امام صادق (ع) وارد شدم، ایشان را رنگ پریده و محزون یافتم، در حالی که اشک از چشمانشان همچون در غلطان سرازیر بود. گفتم: گریه تان برای چیست؟ گفت: آیا در غفلتی تو؟ نمی دانی که حسین (ع) در چنین روزی به قتل رسید؟ گفتم: نظرتان درباره روزه در این روز چیست؟ به من گفت: روزه بگیر بدون اینکه از شب قبل قصد روزه گرفتن کرده باشی و آنرا افطار کن بدون شادمانی و فرح، و تمام روز را به طور کامل روزه مگیر، باید افطارت با

نوشیدن جرعه ای از آب یک ساعت بعد از نماز عصر باشد. در چنین ساعتی بود که جنگ و جدال از آل رسول

دست برداشت و ابتلای آنان خاتمه یافت (۴۸)

این روایت بر فرض صحت سند قرائن متعددی بر منع از روزه شرعی و لزوم امساک صوری در اغلب روز از

خوردن و آشامیدن برای همدردی با مصائب حسین بن علی (ع) و اهل بیت او دارد. اما مشکل اصلی در سند آن

است. روایت به لحاظ سندی ضعیف است، به دلیل جهالت طریق شیخ طوسی به عبدالله بن سنان در آنچه از او در

مصباح المتجهد نقل می کند. بنابراین روایت مرسله محسوب می شود. (۵۰)

از این بحث طولانی می توان چنین نتیجه گرفت: فضیلت روزه عاشورا با روزه ماه رمضان منسوخ نشده است. این

فضیلت نه تنها از پیامبر (ص) در منابع سنی و شیعه روایت شده بلکه در منابع شیعه مستند به روایات معتبر از ائمه

اهل بیت از جمله امام باقر و صادق (ع) (بعد از فاجعه کربلا) است. کلیه روایاتی که در منع از روزه عاشورا و

ارتباط آن با واقعه مولمه سال ۶۱ در کربلا در منابع شیعی نقل شده اند فاقد اعتبار سندی هستند و قابل استناد به

ائمه اهل بیت (ع) نیستند. استحباب روزه عاشورا فتوای بزرگترین فقیهان امامیه است. قید «بر وجه حزن» اگرچه

مستند روایی ندارد اما مستظهر به ادله عقلی و برای مقابله با تبرک بنی امیه به این روز است که قابل دفاع می

باشد.

اینکه بنی امیه امام حسین (ع) در روز عاشورا به شهادت رساندند (اگر انتخاب این روز با برنامه بوده باشد) به

دلیل سوء استفاده از فضیلت روز عاشورا بوده است، آنچنانکه خوارج هم امیرالمؤمنین (ع) را در شب قدر در ماه

رمضان به شهادت رساندند، برای سوء استفاده از فضیلت ایام قدر و رمضان. اما تلخی شهادت مولای متقیان (ع)

باعث نشده فضیلت شهبای قدر نفی شود. بر همین منوال فضیلت روز عاشورا و استحباب روزه آن امری مستقل از فاجعه مولمه قتل فجیع سیدالشهدا و هفتاد و دو تن یار باوفای ایشان در کربلاست، و حساب این دو باید از هم جدا نگاه داشته شود.

بخش سوم. فضائل مجعول عاشورا در کتب فریقین

این بخش شامل دو بحث است: دیدگاه رایج تشیع و تسنن درباره فضائل عاشورا، و فضایل عاشورا در منابع شیعی

بحث اول. دیدگاه رایج تشیع و تسنن درباره فضائل عاشورا

در زیارت عاشورا این دو فقره به بحث ما مرتبط است: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ وَأَيْنُ أَكَلَةِ الْآكِبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (خدایا این روز روزی است که به آن تبرک جستند بنی امیه و فرزند جگرخواره آن لعنت شده فرزند لعنت شده بر زبان تو و زبان پیامبرت که درود خدا بر او و خاندانش باد) وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بَقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (و این روز روزی است که شادمان شدند به این روز خاندان زیاد و خاندان مروان بخاطر کشتن حسین که درود خدا بر او باد) (۵۰)

اینکه بنی امیه مشخصا چه اموری را به عنوان تبرک و فرح روز عاشورا جعل کرده اند نیاز به تحقیق مستقلی دارد. اما در متون دوران صفویه به بعد آمده است که بنی امیه به دروغ، احادیث بسیار در فضیلت روز تاسوعا و خصوصا عاشورا به پیامبر نسبت داده اند. (۵۱) میرزا ابوالفضل طهرانی کلانتر (۱۲۷۳-۱۳۱۷ق) در شفاء الصدور فی شرح

زیارت العاشور نیز متذکر شده است که «[بنی امیه] دعا و طلب حوائج را در این روز را به عنوان روزی مبارک مستحب دانسته اند، و برای این کار در این روز، با جعل و وضع، و افترا، مناقب و فضائلی ساخته اند.» (۵۲)

قاضی عبدالنبی بن عبدالرسول احمد نکری (از علمای معتدل اهل سنت در قرن دوازدهم) در کتاب دستور العلماء جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون درباره فضایل روز عاشورا چنین نوشته است: عاشورا روز دهم محرم روزی بزرگ است که حوادث بزرگ و عجیبی در آن اتفاق افتاده است مانند خلق آدم (ع) و اخراجش از بهشت و قبول توبه و مغفرتش از عصیان، و طوفان نوح (ع)، و خصوصاً شهادت امام همام مظلوم معصوم شهید سعید ابو عبدالله الحسین (که خداوند از او راضی باد) پسر اسدالله غالب علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه)، و در این روز امور بزرگ مهم یا ترس آور مخوف حادث خواهد شد از قبیل خروج امام همام محمد مهدی [امام زمان] (که خداوند از او راضی باد) و نزول عیسی (ع) از آسمان، و خروج دجال و دابة الأرض خصوصاً قیام قائم [آل محمد] آن چنان که مخبر صادق صدوق پیامبر آخرالزمان (ص) از آن ما را با خبر کرده است.»

وی سپس با نقل شعری از ده خصال پسندیده در این روز یاد می کند و می افزاید: «اما این اعمال از احادیث صحیحه ثابت نشده است، احادیثی که این امور را نقل کرده اند ساختگی هستند. آری روزه و توسعه طعام بر خانواده در روز مذکور با احادیث صحیحه ثابت شده است.» در ادامه متذکر می شود: «عاشورا به این دلیل به این نام خوانده شده که خداوند تعالی به ده پیامبر ده کرامت در این روز بخشیده است: آدم، ادریس، نوح، یونس، ایوب، یوسف، موسی، عیسی، ابراهیم و محمد (که صلوات خداوند بر همه آنها باد)» در انتها بار دیگر یادآوری می کند

که فقها و پرهیزکاران در این روز ملتزم به نماز و دعا هستند و احادیث فراوانی در آن نقل می کنند، و غیر از روزه و توسعه طعام هیچیک از آنها ثابت نشده است.» (۵۳)

احمد نوری به سند فضائل روز عاشورا اشاره ای نکرده است، اگرچه معترف است که سند احادیث اعمال خاص این روز مجعول است. درباره روزه عاشورا به تفصیل بحث شد. اما توسعه بر عیال (و به اصطلاح عید) عاشورا که وی مدعی صحت احادیث آن است، در منابع شیعی مطلقاً وارد نشده و به احتمال قوی این همان موردی است که بنی امیه در توسعه آن کوشیده اند. بحث نیازمند تحقیق بیشتری است.

بحث دوم. فضایل عاشورا در منابع شیعی

آیا فضایل روز عاشورا منحصر به منابع اهل سنت است یا در منابع شیعی هم نقل شده است؟ به چند نمونه از فضائل عاشورا در منابع شیعی اشاره می کنم:

روایت اول. قاضی نعمان بن محمد (۲۸۲-۳۶۳) فقیه بزرگ اسماعیلی در کتاب دعائم الإسلام از امام صادق (ع) نقل می کند که کشتی نوح در روز عاشورا در جودی به ساحل رسید، پس نوح (ع) به همراهانش از انس و جن امر کرد که این روز را روزه بگیرند. عاشورا روزی است که در آن آدم (ع) توبه کرده است، و آن روزی است که قائم ما اهل بیت (ع) قیام خواهد کرد. (۵۴) در این روایت مرسله سه فضیلت به عاشورا نسبت داده شده است.

روایت دوم. مهم ترین روایت فضیلت عاشورا در کتاب تهذیب شیخ الطایفه طوسی (۳۸۵-۴۶۰) نقل شده است.

کثیرالنوا از امام باقر (ع) روایت کرده است که کشتی نوح در روز عاشورا در جودی به ساحل رسید، پس نوح (ع)

به همراهانش از انس و جن امر کرد که این روز را روزه بگیرند. امام باقر (ع) افزود که آیا [اهمیت] این روز را می دانی؟ این روزی است که خداوند عز و جل توبه آدم و حوا را پذیرفت. این روزی است که خداوند در آن روز دریا [رود نیل] را برای بنی اسرائیل شکافت و فرعون و همراهانش را غرق کرد، این روزی است که موسی (ع) بر فرعون غلبه کرد؛ این روزی است که ابراهیم (ع) در آن متولد شده است؛ این روزی است که خداوند توبه قوم یونس را پذیرفت. این روزی است که در آن عیسی بن مریم متولد شده است. و این روزی است که قائم [آل محمد] (ع) قیام خواهد کرد. (۵۵)

این حدیث بر فرض صحت سند هفت فضیلت را به روز عاشورا نسبت داده است، شش فضیلت آن مربوط به پیامبران گذشته است و یکی مربوط به آخرالزمان. ظاهراً این روایت تفصیل روایت دعائم الإسلام است. اما مشکل در سند آن است. کثیرالنوا راوی مباشر این روایت صریحاً از جانب امام صادق (ع) مذمت شده و امام صریحاً از وی برائت جسته است. (۵۶)

همین روایت را عیناً سید بن طاوس، علی بن موسی (۵۸۹-۶۶۴) در اقبال با سند خود از علی بن فضال با اسنادش از امام باقر (ع) نقل کرده است. (۵۷) نام کامل راوی علی بن حسن بن علی بن فضال است که از اصحاب موثق فطحی مذهب امام هادی و امام عسکری (ع) محسوب می شود. روایان بین ابن فضال و امام باقر (ع) از یک سو و سند ابن طاوس تا ابن فضال باید مشخص شوند تا بتوان وثاقت آنها را آزمون کرد. بدون چنین آزمونی اعتبار روایت اثبات نشده و روایت مرسله محسوب می شود.

روایت سوم. شیخ صدوق (۳۰۶-۳۸۱) در دو کتاب علل الشرایع و امالی خود عبارتی از میثم تمار صحابی ممتاز امیرالمؤمنین (ع) مرتبط با بحث ما نقل کرده است: جبَلَه مکيه می گوید شنیدم از میثم تمار (خدایش رحمت کند) که فرمود: والله این امت پسر پیغمبر خود را در روز دهم محرم می کشند. و هر آینه دشمنان خدا این روز را روز برکت قرار دهند، و این کار شدنی است و یادش در علم خداوند تعالی پیش گرفته است و من می دانم او را به عهدی که از مولایم امیرالمؤمنین (ع) به من رسیده است. امیرالمؤمنین (ع) به من خبر داد که در آن روز همه چیز بر او [حسین] خواهند گریست از حیوانات وحشی بیابانها تا ماهیها دریاها و پرندگان هوا، خوشید و ماه و ستارگان، و آسمان و زمین، و مومنین انس و جن، و همه فرشتگان سماوات و ارضین، و رضوان و مالک [خازن جهنم] و حاملان عرش. [در آن روز] آسمان خون و خاکستر می بارد. سپس [میثم تمار] گفت: لعنت خدا بر قاتلان حسین (ع) واجب است آن چنانکه [لعنت] بر مشرکینی با خداوند خدای دیگری قرار می دهند، آن چنانکه [لعنت خدا] بر یهود، نصاری و مجوس [هم] واجب است.

جبله می گوید گفتم: چگونه مردم روزی را حسین (ع) کشته می شود روز برکت قرار می دهند؟ پس میثم (که خدا از او راضی باشد) گریست سپس گفت: به دلیل حدیثی که می سازند می پندارند که [عاشورا] روزی است که خدای تعالی در آن توبه آدم را قبول کرد، با اینکه خدای تعالی در ذیحجه توبه آدم را قبول کرد، و گمان می کنند که آن روزی است که خدای تعالی توبه داود را پذیرفت، در حالی که خداوند توبه او را در ذیحجه پذیرفت، و گمان می کنند آن روزی است که خداوند یونس را از شکم ماهی بیرون آورد، با اینکه خدای تعالی یونس را در ذیقعد از شکم ماهی برآورد، و گمان می کنند که آن روزی است که کشتی نوح بر [ساحل] جودی قرار گرفت، با اینکه به

ساحل جودی رسیدن [کشتی] در روز هجدهم ذیحجه بوده است، و گمان می‌کنند که آن روزی است که خدا دریا را برای موسی بشکافت، با اینکه این کار در ربیع الاول بود.» (۵۸)

بر فرض صحت سند روایت فوق، بیش از یک ربع قرن از وقوع فاجعه کربلا میثم وقوع آن را از علی بن ابی طالب (ع) شنیده است، و شخصا جعل احادیثی در فضائل دروغین این روز از قبیل قبول توبه آدم و داود، به ساحل نشستن کشتی نوح، بیرون آوردن یونس از شکم ماهی و شکافتن دریا برای بنی اسرائیل را پیش بینی کرده و می‌گوید قاتلان سیدالشهدا به توهم چنین احادیث مجعولی جنایت تاریخی خود را مرتکب خواهند شد.

محمد باقر مجلسی برکات این روز را از جمله اکاذیب و مفتریات اهل سنت معرفی کرده است. (۵۹) فیض کاشانی هم در وافی از عقیق نقل کرده که امام باقر (ع) میثم تمار را بسیار دوست می‌داشت، مؤمنی شاکر در روز آسانی و صابر در روز بلا بود. در جای خود ثابت شده که میثم تمار از حواریون و خواص امیرالمؤمنین بوده، و [امام (ع)] از شهادت او و چگونگی آن به دست حجاج به دلیل محبت میثم به امیرالمؤمنین (ع) خبر داده بود. فیض در تعارض روایت میثم و کثیرالنوا جانب روایت میثم را می‌گیرد. (۶۰)

در جلالت قدر میثم تمار کمترین تردیدی نیست، اما سند روایت صدوق به چند دلیل ضعیف و غیرقابل استناد است، اولاً جَبَلَه مکیة مجهول است و نامش در منابع علم رجال ذکر نشده، چه برسد به اینکه توثیق شده باشد. ثانیاً عمر بن سعد (در سند امالی) و حسین بن احمد بن ادریس (در هر دو سند) مجهول هستند. فارغ از ضعف مفرط سندی متن آن هم با روایات غلات کاملاً سازگار است. ثالثاً یک نکته باقی می‌ماند و آن نقل روایت کثیرالنوا در فضائل این روز در تهذیب شیخ طوسی و روایت ابن فضال در کتاب اقبال سید بن طاوس که بعد از کتاب شیخ

صدوق و اطلاع از روایت جبله مکيه نوشته شده اند معنایش بی اعتنایی به روایت جبله مکيه است. اگر شیخ طوسی و سید بن طاوس منقولات جبله را باور داشتند چگونه آنچه به تصریح وی به نقل از میثم تمار جعلی است در کتب خود نقل کرده اند؟

نتیجه اینکه درباره هیچیک از فضائل روز عاشورا و انکار آنها در ارتباط با عاشورای سال ۶۱ از هر دو سو روایت معتبری در دست نیست. یعنی این فضایل مطلقاً در منابع شیعی اعتباری ندارد. ضعف سندی روایات این فضائل در منابع اهل سنت نیازمند تحقیق دیگر است.

خاتمه

در انتهای بحث نکته ای مرتبط با میزان فهم برخی از معاصرین را در باره عاشورا نقل می کنم. رضا استادی (متولد ۱۳۱۶) از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۶۱) در انتهای مقاله پیشینه عاشورا نوشته است: «یک حدیث بسیار جالب: و اما روایتی که موجب شد این مقاله را تنظیم کنم و قبلاً وعده نقل آن را دادم در مجمع البحرین از [فخرالدین] طریحی [متوفی ۱۰۸۵] و مستدرک سفینة البحار از نمازی [متوفی ۱۳۶۴ش] نقل شده است و مستفاد از آن این است که یوم الله بودن عاشورا به خاطر وقوع حادثه بسیار عظیم شهادت حضرت سیدالشهدا (ع) در این روز است و این مطلب را خدای متعال به حضرت موسی (ع) فرموده است و بنابراین می توان گفت اگر روز عاشورا در میان یهود و دیگران که پس از آنها بوده اند احترامی داشته به جهت این بوده که حضرت موسی (ع) آنان را به این کار امر کرده و امر او به خاطر این بوده که از راه وحی به عظمت این روز پی برده بوده است و البته این حدیث با وقوع حوادث مهم دیگر در این روز منافات ندارد. اینک متن روایت.» (۶۲)

ترجمه روایت این است: در حدیث مناجات موسی (ع) آمده است: [موسی]: خدایا چرا امت محمد (ص) بر سایر امم برتری داده ای؟ خدای تعالی فرمود: آنها را به ده خصلت برتری داده ام. موسی عرض کرد: آنها [امت محمد] به چه خصلتهایی عمل می کنند تا من بنی اسرائیل را امر کنم به آن خصائل عمل کنند؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، [نماز] جمعه، [نماز] جماعت، قرآن، علم، و عاشوراء. موسی عرض کرد: خدایا عاشورا چیست؟ فرمود: گریستن و خود را گریان نشان دادن بر سبط محمد (ص) و مرثیه و عزا بر مصیبت فرزند مصطفی. ای موسی هیچ بنده ای از بندگان من در آن زمان که بگرید یا خود را گریان نشان دهد و بر فرزند مصطفی عزا بگیرد نیست مگر بهشت بر او ثابت باشد، و هیچ بنده ای که مالش را در محبت پس دختر پیامبر در به شکل طعام یا غیر آن از درهم و دینار انفاق کند نیست مگر خدا در دار دنیا به ازای هر درهم هفتاد برابر به مالش برکت دهد و به بهشت پاداشش دهد و از گناهش درگذرد. به عزت و جلالم قسم نیست مرد و زنی که از چشمانش در روز عاشورا و غیر آن یک قطره اشک [در مصیبت سیدالشهداء] جاری شود مگر اینکه خداوند اجر صد شهید برای او منظور کند.» (۶۳)

واضح است که این عبادات را بنی اسرائیل هم داشته اند پس چگونه اینها از خصال امت محمد است؟! توجیه استادی این است «یا مقصود این است که به کیفیتی که در اسلام هست نداشته اند و یا منظور این است که این مجموعه ده تایی از مختصات امت اسلامی است.» که موجه به نظر نمی رسد. در توضیح خصلت نهم هم نوشته «شاید مقصود علوم رسول خدا و ائمه هدی و فاطمه زهرا (ع) باشد که از غیر طریق قرآن در اختیار امت قرار گرفته است» فارغ از مشکلات متن روایت سند این روایت چیست؟ در پاورقی تذکر داده «متأسفانه مرحوم طریحی

مدرک و سند این حدیث را یاد نکرده است! (۶۴) طریحی سند آن را یاد نکرده چون سند ندارد! و مثل بسیاری از روایات در فضیلت عزاداری عاشورا ساخته و پرداخته محبان غالی اهل بیت (ع) است و صرفاً انعکاس ذهنیت آنهاست و قابل انتساب به پیامبران سلف (ع)، پیامبر اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) نیست.

از اینکه چنین روایت فاقد سندی انگیزه نگارش مقاله تحقیقی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم باشد میزان فهم و شعور روحانیون عصر ما در امور مذهبی به دست می آید. فکر می کنم این مثنوی نمونه خرواز از امور مذهبی ما چه در گذشته چه در حال باشد. حساب سیدالشهدا (ع) را از ادبیات فربه غالیانه و ساختگی که متاسفانه بخش عظیمی از ادبیات عاشورایی ما را تشکیل می دهد باید عالمانه جدا کرد. به عنوان نمونه عینی ثقة الإسلام کلینی در کتاب مهم کافی در باب فضل زیارة امام حسین (ع) یازده روایت نقل کرده است (۶۵) که بنا بر موازین سهل انگارانه محمد باقر مجلسی همگی بدون استثنا ضعیف یا مجهول هستند. (۶۶) ادبیات عاشورایی ما نیاز به یک جراحی بسیار سنگین دارد.

بحتم را با تلاوت آیات زیبای انتهای سوره فجر به پایان می برم: *يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي* (فجر ۲۷-۳۰) ترجمه: «تو ای روح آرام یافته، به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانم درآی، و در بهشتم وارد شو!» حسین بن علی (ع) از جمله مصادیق اکمل این آیات فاخر است. السلام علیک یا ابا عبدالله. سلام بر حسین سرور آزادگان جهان روزی که از مادر زاده شد، روزی که مظلومانه اما با عزت به شهادت رسید و روزی که سربلند محشور می شود.

والسلام



۱. برای آشنایی با ابعاد تاریخی واقعه کربلا از یک نگاه علمی به زبان فارسی بنگرید به سید جعفر شهیدی، پس از پنجاه سال: پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۵۸.
۲. سخنرانی اسکایی، بلکس برگ، ویرجینیا (اساتید و دانشجویان ایرانی دانشگاه ویرجینیاتک) به مناسبت عاشورای حسینی ۱۴۴۰، ۲۴ شهریور ۱۳۹۷. به علت کیفیت پائین فایل صوتی این سخنرانی دوباره ضبط شد.
۳. ابوریحان بیرونی، التفهیم، لاوایل صناعة التنجیم، ص ۲۴۴.
۴. پیشین، حاشیه جلال الدین همایی.
۵. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیة لقرون الخالیة، ترجمه اکبر داناسرشت، فصل هفتم، ص ۲۱۸-۲۷۴.
۶. برای اطلاعات بیشتر یهودی در مورد یوم کیپور بنگرید به:
Encyclopedia, ATONEMENT, DAY OF (Yom ha-Kippurim), by Morris Jastrow & Jr., Max Jewish L. Margolis
۷. تورات، سفر لاویان: ۱۶: ۱-۳۴ و ۲۳: ۲۶-۳۲، سفر اعداد: ۲۹: ۷-۱۱.
۸. برای اطلاعات بیشتر درباره تقویم یهودی بنگرید به:
Encyclopedia, CALENDAR (Hebrew, "Luah" = table) by Cyrus Adler & Michael Jewish Friedländer
۹. برای آشنایی با تقویم عرب قبل از اسلام بنگرید به ابوریحان بیرونی، آثارالباقیة، ترجمه داناسرشت، ص ۵۴-۵۶؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۶۶؛ و جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۵، ص ۳۴۱-۳۹۹.
۱۰. برای روایات مختلف حول زمان تغییر قبله و آیات آن بنگرید به تتودر نولدکه، تاریخ القرآن، ترجمه عربی، ص ۱۵۶-۱۵۹.
۱۱. پیشین، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۱۲. ابوالحسن شعرانی، پاورقی تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۶ ص ۲۹، به نقل از مقاله پیشینه عاشورا، رضا استادی، فصلنامه پیام حوزه، شماره ۶، سال ۱۳۷۴.
۱۳. حاشیه من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۸۵-۸۶ ذیل حدیث ۱۸۰۰ به نقل از حاشیه ابوالحسن شعرانی بر وافی ملامحسن فیض کاشانی [چاپ سنگی، جزء ۷ ص ۱۴] در چاپ حروفی متاسفانه این حاشیه پرارزش نقل نشده است.
۱۴. سیره ابن هشام، ج ۲ ص ۲۳۴.
۱۵. صحیح بخاری ۲۰۰۵، صحیح مسلم ۱۱۳۱.
۱۶. صحیح مسلم ۱۱۳۱/ ۱۳۰.
۱۷. پیشین، ۱۱۳۰/ ۱۲۸.
۱۸. ابن حزم، المحلی بالآثار، ج ۷، ص ۱۸.
۱۹. نولدکه، تاریخ القرآن، ص ۱۶۰-۱۶۲.
۲۰. صحیح بخاری: کتب صوم، ۱۸۹۳ و ۲۰۰۲، کتاب حج ۱۵۹۲، کتاب مناقب الأنصار ۳۸۳۱، و کتاب ال فسیر ۴۵۰۴.
۲۱. پیشین.
۲۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۵۱ ح ۲۲۴.
۲۳. مفاتیح الجنان، باب دوم اعمال سال، فصل هفتم اعمال ماه محرم، اعمال روز عاشورا، ص ۲۸۹.
۲۴. مجلسی، زادالمعاد، فی اعمال العشر الاول من المحرم، ص ۲۳۰.
۲۵. مفاتیح الجنان، باب دوم اعمال سال، فصل هفتم اعمال ماه محرم، اعمال روز عاشورا، وجوه تبرک بنی امیه به روز عاشورا، ص ۲۸۹-۲۹۰.
۲۶. سنن ترمذی ۷۵۲.
۲۷. سنن ابی داود ۲۴۳۷؛ سنن نسائی ۲۴۱۷ و ۲۴۱۶، ۲۳۷۱.
۲۸. وهبه زحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۳، ص ۵۹۲-۵۹۵.
۲۹. یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۱۳، ص ۳۶۹-۳۷۶.
۳۰. «اما المكروه منه بمعنى قلة الثواب ففي مواضع ايضا منها صوم عاشوراء.» العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، کتاب الصوم، فصل فی اقسام الصوم، ج ۳، ص ۶۶۰. از هیجیک از پانزده محشی عروة مذکور در این طبع (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ق) بر این موضع فتوای مخالف ماتن نقل نشده است.

۳۱. فتوای شیخ طوسی در المبسوط: واما المسنون ... صوم یوم عاشوراء علی وجه المصیبة والحزن. (ج ۱ ص ۲۸۲) فتوای شیخ طوسی
النهاية جواز است: والصوم الذي يكون صاحبه بالخيار ... ويوم عاشوراء. (ص ۱۶۹)
۳۲. محقق حلی، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام: والندب من الصوم: ... وقد يختص وقتا: والمؤكد منه أربعة عشر قسما: ...
و صوم عاشوراء علی وجه الحزن. (ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹)
۳۳. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام: «فی ظاهر الغنية الجماع علیه [مندوبية صوم عاشوراء]» (ج ۱۷،
ص ۱۰۵) اما کلام ابن زهره در غنية النزوع چنین است: «واما الصوم المندوب .. صوم عاشوراء علی وجه الحزن». (ج ۱ ص ۱۴۸)
مشخص نیست از کجای ظهور این عبارت ادعای اجماع در می آید. در جای دیگر غنیه نیز عبارتی مؤید ادعای فوق بدست
نیامد.
۳۴. «والتامن [من الصوم المندوب: صوم عاشوراء] بلا خلاف اجده فيه بل فی ظاهر النية الاجماع علیه.» (پیشن)
۳۵. فیض کاشانی، الوافی، باب ۷: صیام یوم عاشوراء واثنتین، ج ۱۱، ص ۷۲-۷۸. در این باب یازده روایت نقل و شرح داده شده است.
۳۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، کتاب الصوم، أبواب الصوم المندوب، باب ۲۰ استحباب صوم یوم التاسع والعاشر من المحرم حزنا،
وقراءة الاخلاص یوم العاشر ألف مرة والافطار بعد العصر بساعة؛ باب ۲۱ عدم جواز صوم التاسع والعاشر من المحرم علی وجه
التبرک بهما، ج ۱۰، ص ۴۵۷-۴۶۳. در این دو باب مجموعا پانزده روایت یا قطعاتی از روایت نقل شده است.
۳۷. مرتضی بروجردی، المستند فی شرح العروة الوثقی، کتاب الصوم، تقریر دروس سید الخوئی، ج ۲، ص ۳۰۳.
۳۸. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۴۷ ح ۷. ترجمه روایت از میرزا ابوالفضل طهرانی کلاتر، شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشور، ج ۲
ص ۱۵۰.
۳۹. نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۰۸.
۴۰. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۴۶، ح ۳؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۹۰۹؛ همو، الاستبصار، ج ۲، ص ۱۳۴، ح ۴۴.
۴۱. بروجردی، المستند فی شرح العروة الوثقی، کتاب الصوم، تقریرات درس سید خوئی، ج ۲، ص ۳۰۴.
۴۲. شیخ طوسی، الامالی، ج ۲، ص ۲۷۹؛ ترجمه روایت: طهرانی کلاتر، شفاء الصدور، ج ۲ ص ۱۵۳.
۴۳. بروجردی، المستند فی شرح العروة الوثقی، کتاب الصوم، تقریرات درس سید خوئی، ج ۲، ص ۳۰۳-۳۰۴.
۴۴. «وکيفما كان فالروایات الناهية غير نقية السند برمتها، بل هي ضعيفة بأجمعها، فليست لدينا رواية معتبرة يعتمد عليها ليحمل
المعارض علی التقيّة. (پیشین، ص ۳۰۵)
۴۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۹۰۷.

۴۶. پیشین، ج ۴، ص ۲۹۹، ح ۹۰۵.
۴۷. بروجردی، المستند فی شرح العروة الوثقی، کتاب الصوم، تقریرات دروس سید خوئی، ج ۲، ص ۳۰۵-۳۰۶.
۴۸. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۶۴۳-۵۴۴.
۴۹. بروجردی، المستند فی شرح العروة الوثقی، کتاب الصوم، تقریرات دروس سید خوئی، ج ۲، ص ۳۰۶.
۵۰. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۵۳۸-۵۳۹.
۵۱. از جمله محمد باقر مجلسی، زادالمعاد، فی اعمال العشر الاول من المحرم، ص ۲۳۰.
۵۲. ابوالفضل طهرانی کلانتر، شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشور، ج ۲، ص ۱۶۶.
۵۳. عبدالنبی احمد نگری، دستور العلماء جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۲۹۱-۲۹۲.
۵۴. قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۸۴.
۵۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، کتاب الصیام، باب ۶۷: وجوه الصیام و شرح جمیعها علی البیان، ح ۱۴، شماره مسلسل ۹۰۸، ج ۴ ص ۳۰۰. «اظهر حمل روایت بر تقیه است به دلیل روایتی که از صدوق که رحمت خدا بر او باد در امالی و غیر آن [علل الشرایع] نقل کرده که وقوع این برکات در این روز از اکاذیب اهل سنت و افتراهای ایشان است.» (محمدباقر مجلسی، ملاذالاکخیار فی شرح تهذیب الاخبار ج ۷ ص ۱۱۶-۱۱۷) روایت صدوق منقول از جبلة مکی از میثم تمار است که در سطور بعدی متن نقل و بررسی خواهد شد.
۵۶. بتری (رجال الشیخ)، کوفی عامی (برقی)، وروی أن أبا عبد الله (ع) قال: اللهم إني إليك من كثير النواء برىء في الدنيا والآخرة (رجال الكشي)، خویی، معجم رجال الحديث، ۹۷۳۶، ج ۱۵، ص ۱۱۲-۱۱۳. «وقال ابو عبدالله (ع): إن الحكم بن عتيبة و سلمة وكثير النواء وأبا المقدم والتمار يعني سالما أضلوا كثيرا ممن ضل من هؤلاء وإنهم ممن قال الله تعالى: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ [بقره ۸].» (فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱ ص ۷۶-۷۷، باب ۷: صیام یوم عاشورا و الاثنین، ح ۱۱).
۵۷. سید بن طاوس، اقبال الاعمال، الباب الاول ما يتعلق بشهر المحرم، الفصل ۹: فی ما نذکره من صوم یوم عاشوراء وفضله والدعاء فیہ، ج ۳، ص ۵۱.
۵۸. شیخ صدوق، علل الشرایع، باب العلة التي من أجلها صار يوم عاشوراء أعظم الأيام مصيبة، ب ۱۶۲، ح ۳، ج ۱، ص ۲۲۸؛ همو، الامالی، مجلس ۲۷ مورخ جمعه اول محرم سال ۳۶۸ بعد از رجوعش از مشهد الرضا، ح ۱، ج ۱ ص ۱۸۹-۱۹۰.
۵۹. محمد باقر مجلسی، ملاذالاکخیار فی شرح تهذیب الاخبار ج ۷، ص ۱۱۶-۱۱۷.

عاشورا از سه منظر

۶۰. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۷۷-۷۸.
۶۱. رضا استادی مقدم تهرانی، امام جمعه قم، نماینده مجلس خبرگان دوره‌های سوم و چهارم، عضو شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم، مدیر سابق حوزه علمیه قم، عضو هیات مدیره موسسه در راه حق، نویسنده فهرست نسخ خطی حدود هفده کتابخانه، مدیر علمی کنگره های شیخ مفید، محقق اردبیلی، آقا حسین خوانساری، فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان برخی از مشاغل و خدمات وی است.
۶۲. استادی، پیشنه عاشورا، فصل‌نامه پیام حوزه، شماره ۶، سال ۱۳۷۴.
۶۳. طریحی، مجمع البحرین، ماده عشر، ج ۳، ص ۱۸۶؛ علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینة البحار، ماده عشر، ج ۷، ص ۲۳۵-۲۳۶ به نقل از مجمع البحرین.
۶۴. استادی، پیشین.
۶۵. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۰-۵۸۳.
۶۶. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۳۰۷-۳۱۰.

۲ مهر ۱۳۹۷



kadivar.mohsen59@gmail.com

<https://kadivar.com/?p=16729>

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.